حوادث کوتاه

افسر پلیس آگاهی ۲ کودک را از غرق شدن نجات داد

طی یک اقدام شجاعانه، افسر پلیس آگاهی کهگیلویه و بویراحمد جان ۲ پسر بچه ۸ و ۱۰ ساله را که در حال غرق شدن بودند نجات داد.
اواخر اردیبهشت ماه سال جاری ستوان یکم نوید محمودزاده یکی از کارکنان پلیس آگاهی استان کهگیلویه و بویراحمد برای تفریح به همراه خانواده به محل سد شاه قاسم یاسوج رفته بودند. حین تفریح ناگهان با فریاد یک دختربچه ۸ ساله متوجه می‌شوند که در داخل سد ۲ پسر بچه حدوداً ۸ و دیگری ۱۰ساله در حال غرق شدن در آب هستند که وی به محض مشاهده این صحنه بدون درنگ با شجاعت به داخل آب سد پریده و برای نجات جان آنها وارد عمل می‌شود.
این افسر و کارآگاه شجاع پلیس آگاهی با مشقت فراوان و با به خطر انداختن جان خود این ۲ کودک را که در حال غرق شدن بودند نجات داد. اقدام شجاعانه ستوان‌یکم محمودزاده مورد تشویق و شادی مردم و همه کسانی که این صحنه را نظاره می‌کردند، قرار گرفت.

مرگ کارگر در انفجار دیگ روغن موتور

انفجار دیگ روغن موتور مذاب در یک واحد صنعتی مستقر در شهرک صنعتی اشتهارد، موجب مرگ یک کارگر حدود ۴۵ساله شد. کارگر یکی از کارخانه‌های شهرک صنعتی اشتهارد در استان البرز بر اثر حادثه کار جان باخت.
سرهنگ علی عزیزی، فرمانده انتظامی اشتهارد گفت: این حادثه در نتیجه انفجار دیگ روغن موتور خودرو رخ داده که موجب مرگ این کارگر می‌شود. به گفته وی، کارگر متوفی بعد از وقوع حادثه به بیمارستان منتقل شده اما تلاش پزشکان برای نجات وی نتیجه بخش نبوده است.

تیراندازی مرگبار در فاریاب

تیراندازی مرگبار به جوان فاریابی رازگشایی شد.
رئیس دادگستری شهرستان فاریاب از شناسایی عامل قتل مرد ۳۱ ساله در این شهرستان، ظرف کمتر از ۸ ساعت خبر داد.
او اظهارکرد: این قاتل با هماهنگی مرجع قضایی طی یک عملیات غافلگیرانه پس از خروج از شهرستان در یکی از شهرهای استان فارس دستگیر شد.
قاضی ایمان محمدی افزود: در پی وقوع قتل جوان ۳۱ ساله با سلاح گرم در یکی از مناطق این شهرستان، موضوع به صورت ویژه در دستورکار کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان فاریاب قرار گرفت.
این مقام قضایی بیان کرد: متهم این پرونده که با قرار بازداشت موقت در زندان به سر می‌برد، علت قتل را اختلافات قبلی ذکر کرد که تحقیقات در این خصوص ادامه دارد. رئیس دادگستری شهرستان فاریاب گفت: متهم این پرونده در سریع‌ترین زمان ممکن وفق مقررات محاکمه و مجازات خواهد شد.

قتل جوان ملایری در تیراندازی با سلاح شکاری

سرهنگ «احمد ساکی» روز پنجشنبه ۲۵ خرداد در تشریح جزئیات این خبر اظهار داشت: در پی وقوع درگیری مسلحانه منجر به قتل در فروردین ماه امسال در یکی از روستاهای ملایر و متواری شدن قاتلان، دستگیری متهمان به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی این شهرستان قرار گرفت.
وی افزود: مأموران پلیس آگاهی پس از مدت‌ها تلاش شبانه‌روزی مؤثر و به‌کارگیری شیوه و شگردهای خاص پلیسی، سرانجام سه نفر از متهمان را که از مخفیگاه خود خارج و در حال تردد در داخل شهر ملایر بودند، در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه به همراه یک قبضه سلاح شکاری دستگیر کردند. فرمانده انتظامی ملایر بیان کرد: مأموران همچنین سه نفر دیگر از افراد مرتبط با درگیری منجر به قتل را شناسایی و در یک عملیات دیگر آنان را دستگیر کردند. سرهنگ ساکی گفت: متهمان دستگیر شده در بازجویی‌های به عمل آمده، به حضور در محل قتل و درگیری و تیراندازی اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شدند.
وی همچنین از کشف ۱۱۵ قلم لوازم خانگی قاچاق به ارزش تقریبی ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال از یک دستگاه خودرو نیسان توسط مأموران پلیس امنیت اقتصادی شهرستان خبر داد. فرمانده انتظامی ملایر ادامه داد: در راستای مبارزه با پدیده قاچاق و برخورد با سودجویان و مخلان امنیت اقتصادی جامعه، مأموران پلیس امنیت اقتصادی این شهرستان در حین گشت‌زنی در محورهای ارتباطی به یک دستگاه خودرو نیسان مشکوک شدند و جهت بررسی خودرو را متوقف کردند و متهم دستگیر شده با تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شد.

قتل را به خاطر کمک همدستان خود به خانواده فقیرم گردن گرفته بودم

راز جنایت در شناسنامه جامانده قاتل

پیدا شدن جنازه راننده اسنپ وقتی راز قتل را فاش کرد که پلیس شناسنامه پسرنوجوان را در خودروی وی پیدا کرد. پسر نوجوان که پیش‌تر به اتهام قتل راننده اسنپ به زندان و دیه محکوم شده بود برای دومین بار در دادگاه از خود دفاع و اظهارات جدیدی را مطرح کرد. وی مدعی شد در قتل مرد راننده بی‌گناه است و به خاطر دوستانش قتل را گردن گرفته است.

ناپدید شدن راننده اسنپ

به گزارش «ایران»، ۲۷ مهرماه سال ۱۴۰۰ مردی هراسان به پلیس آگاهی رفت و از ناپدید شدن پسر ۳۰ ساله‌اش به نام سهند خبر داد. این مرد گفت: پسرم مدتی است با ماشین پژو مسافرکشی می‌کند و راننده تاکسی اینترنتی است. او صبح برای کار از خانه بیرون رفت اما دیگر بازنگشت. چند بار با گوشی موبایل پسرم تماس گرفتم اما گوشی خاموش است و می‌ترسم بلایی سرش آمده باشد. با این شکایت، تلاش برای افشای راز ناپدید شدن راننده اسنپ آغاز شد و یک روز از این ماجرا گذشته بود که یک باغبان سالخورده در حاشیه کوهسار جسد یک مرد جوان را که دست و پایش بسته شده بود، پیدا کرد و به پلیس اطلاع داد. نشانی‌های جسد با نشانی‌هایی که پدر سهند به پلیس داده بود مطابقت داشت. به این ترتیب پدر سهند به سردخانه پزشکی قانونی رفت و جسد پسرش را شناسایی کرد. شواهد نشان می‌داد راننده اسنپ بشدت کتک خورده و سپس خفه شده است. مأموران به ردیابی عامل یا عاملان جنایت پرداختند و در نخستین گام از تحقیقات به بررسی لیست مسافرانی پرداختند که همان روز اینترنتی درخواست خودرو کرده و سوار خودروی سهند شده بودند. شواهد نشان می‌داد آخرین مسافر پسر ۱۶ ساله‌ای به نام افشین بوده که با گوشی موبایلش با راننده جوان تماس گرفته بود.

شناسنامه پسرنوجوان سرنخ قتل راننده اسنپ

در حالی که بررسی‌ها ادامه داشت خودروی پژو سهند در همدان کشف شد. پژو قربانی در همدان با یک خودرو تصادف کرده و راننده و سرنشینان قبل از رسیدن مأموران گریخته بودند.
مأموران وقتی به بررسی خودروی سهند پرداختند شناسنامه پسر ۱۶ ساله‌ای به نام افشین را در کف ماشین پیدا کردند. در حالی فرضیه دست داشتن افشین در قتل راننده تاکسی اینترنتی قوت گرفته بود که مأموران به ردیابی وی پرداختند و او را در یکی از شهرستان‌های غربی کشور بازداشت کردند.

اعتراف به قتل راننده اسنپ

پسر نوجوان به قتل راننده تاکسی اینترنتی با همدستی ۳ نفر از دوستانش اعتراف کرد.
وی گفت: من و دوستانم مدتی قبل از شهرستان برای کار به تهران آمده بودیم که تصمیم گرفتیم یک ماشین بدزدیم و با آن به زادگاه‌مان برویم و آن را بفروشیم. به همین دلیل درخواست تاکسی اینترنتی کردیم و سوار ماشین سهند شدیم و راننده را به حوالی کوهسار کشاندیم، سپس او را از ماشین پیاده کردیم اما چون مقاومت کرد کتکش زدیم، سپس دست و پایش را با طناب بستیم، اما چون داد و فریاد راه انداخته بود او را خفه کردم و همراه دوستانم با ماشین سهند به سمت غرب کشور حرکت کردیم اما در همدان تصادف کردیم و از ترس‌مان ماشین را همان جا رها کردیم.
به دنبال اعترافات پسر نوجوان ۳ همدست دیگرش که همگی بالای ۱۸ سال سن داشتند ردیابی و بازداشت شدند.

نخستین دادگاه

چهار متهم در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند و افشین قتل را گردن گرفت اما ۳ همدستش مدعی شدند دستی در قتل نداشته‌اند.
در پایان جلسه، قضات دادگاه با توجه به اینکه افشین هنگام وقوع جنایت زیر۱۸ سال داشته و در رشد عقلی وی شبهه وجود داشت، وی را به زندان و پرداخت دیه محکوم کردند. پرونده ۳ همدست وی نیز برای رسیدگی به دادگاه کیفری دو استان تهران فرستاده شد و آنها نیز پس از محاکمه هر کدام به زندان محکوم شدند.
اما با اعتراض اولیای دم به این حکم، پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی دوباره قرار گرفت و این حکم شکسته شد.

اظهارات جدید در دومین دادگاه

با شکسته شدن حکم صادره، پسر نوجوان این بار در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.
این در حالی بود که کارشناسان پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کردند اگر چه افشین هنگام وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشته اما به رشد عقلی رسیده و متوجه عملی که انجام داده، بوده است. با این اظهارنظر، افشین از خود دفاع کرد.
در ابتدای جلسه پدر و مادر سهند در جایگاه ویژه ایستادند و برای عامل قتل پسرشان حکم قصاص خواستند.
سپس افشین که حالا ۱۸ سال دارد روبه‌روی قضات ایستاد و خودش را بی‌گناه خواند. وی گفت: من و دوستانم تصمیم گرفتیم ماشینی را در تهران بدزدیم و آن را در زادگاه‌مان بفروشیم، به همین خاطر من با گوشی موبایلم تاکسی اینترنتی گرفتم و با دوستانم سوار ماشین شدیم. من قبلاً گفته بودم به تنهایی راننده را کتک زدم و سپس او را خفه کردم، اما حالا می‌خواهم حقیقت را بگویم.، چون پدرم معتاد است و من هزینه‌های زندگی‌مان را تأمین می‌کنم، وقتی دوستانم پیشنهاد سرقت ماشین را مطرح کردند قبول کردم با آنها همکاری کنم. قرار بود پس از فروش ماشین مبلغی به من بدهند که بتوانم پول پیش خانه‌ای را که خانواده‌ام در آن زندگی می‌کنند، بپردازم تا دیگر مجبور نباشم هر ماه اجاره بدهم. به همین علت با آنها همراه شدم، اما وقتی راننده مقاومت کرد دوستانم او را کتک زدند و سپس او را خفه کردند، اما بعد از اینکه دستگیر شدیم چون دوستانم می‌دانستند ما وضع مالی خوبی نداریم از من خواستند قتل را گردن بگیرم. آنها می‌گفتند در عوض این کار به خانواده‌ام پول می‌پردازند، اما به وعده‌شان عمل نکردند و در این مدت که در کانون اصلاح تربیت هستم هیچ پولی به خانواده‌ام ندادند، به همین خاطر تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم؛ آنها راننده تاکسی اینترنتی را کتک زدند و سپس او را به درخت بستند و خفه‌اش کردند. من در قتل راننده جوان بی‌گناه هستم و فقط در جریان سرقت ماشین شرکت داشتم.
با طرح ادعای تازه متهم نوجوان، قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

گفت‌وگو با متهم نوجوان

می‌گوید بی‌گناه است. مدعی است قربانی وضعیت مالی بد خانواده‌اش شده و فریب وعده‌های دروغین همدستانش را خورده، به همین دلیل به قتل راننده اعتراف کرده است.

- چرا در این سن به تنهایی به تهران آمده بودی؟

ما وضع مالی خوبی نداریم. برای پیدا کردن کار به تهران آمدم و در میدان تره‌بار مشغول کار شدم.

- شغل پدرت چیست؟

پدرم بیکار و معتاد است. نیمی از سال را در کمپ ترک اعتیاد می‌گذراند و باقی سال را هم مشغول مصرف مواد مخدر است.

- چه مدت قبل تصمیم به سرقت ماشین گرفتی؟

۲ ماهی می‌شد که من و دوستانم تصمیم به سرقت یک ماشین داشتیم. می‌خواستیم با پول فروش آن، زندگی‌مان را سر و سامان دهیم. خانواده‌ام در شهرستان در یک خرابه زندگی می‌کردند و من ماهانه با حقوقم اجاره آنها را می‌پرداختم. می‌خواستم با پول ماشین سرقتی برایشان خانه خوبی رهن کنم.

- چطور سوار ماشین قربانی شدی؟

آن روز من و دوستانم ابتدا سوار یک پژو ۲۰۶شدیم که راننده آن مرد میانسالی بود که به رفتارهای ما مشکوک شد و سفر را کنسل کرد، به همین خاطر من با گوشی موبایلم درخواست ماشین کردم و بعد هم سوار ماشین سهند شدیم.

- نمی‌دانستی پلیس می‌تواند از طریق درخواست اینترنتی تاکسی تو را شناسایی کند؟

نه، فکرش را هم نمی‌کردم.

- چرا راننده را کشتی؟

ما می‌خواستیم او را از ماشین پیاده کنیم، اما مقاومت کرد، همین باعث شد که دوستانم او را کتک زدند، سپس در کوهسار از ماشین پیاده‌اش کردند و به یک درخت بستند، اما او مدام داد و فریاد می‌کرد؛ ما ترسیده بودیم، به همین دلیل دوستانم او را خفه کردند.

- بعد از قتل چه کار کردی؟

ما به سمت سقز حرکت کردیم، می خواستیم آنجا ماشین را بفروشیم، اما در همدان تصادف کردیم و راننده ماشینی که با آن تصادف کرده بودیم با پلیس تماس گرفت و ما که ترسیده بودیم ماشین را رها کردیم و گریختیم.

- چطور دستگیر شدی؟

همان روز شناسنامه در جیبم بود. احتمالاً موقع فرار شناسنامه از جیبم داخل ماشین افتاده بود و همین مدرک باعث شد شناسایی شوم.

- چقدر درس خوانده‌ای؟

ما وضع مالی خوبی نداریم، به همین علت من، خواهر و برادرهایم نتوانستیم درس بخوانیم. من فقط می‌توانم بخوانم و بنویسم.

- حالا خانواده‌ات در شهرستان چه کار می‌کنند؟

خانواده‌ام با پولی که (از تهران) ماهانه برای آنها می‌فرستادم زندگی‌شان را می‌چرخاندند، اما حالا نزدیک ۲ سال است که در کانون اصلاح و تربیت هستم و آنها شرایط بدی دارند.

- از همدستانت خبر داری؟

نه هیچ خبری از آنها ندارم.

پدر تبریزی به ۲ بار قصاص محکوم شد

سناریوی تلخ ۲ قتل در دعوای مردان همسایه

درگیری خونین ۲ همسایه در یکی از محلات تبریز با قتل ۲ مرد پایان گرفت و مرد همسایه و فرزندانش برای صدور حکم نهایی پیش روی قضات دادگاه قرار گرفتند.

دعوای مرگبار همسایه‌ها

به گزارش «ایران»، شهریور سال گذشته بود که گزارش وقوع درگیری خوفناکی بین ۸ نفر در یکی از محلات تبریز به پلیس ۱۱۰ گزارش شد.

اولین درگیری

بدین‌ترتیب پلیس با دریافت این گزارش، خود را به محل حادثه رساند و با پیکر زخمی چند نفر از عاملان درگیری مواجه شد و تعدادی از آنان نیز قبل از حضور مأموران از صحنه درگیری گریخته بودند!
احمد که با ۲ پسرش در این نزاع حضور داشت، در مورد علت درگیری به پلیس گفت: همسایه طبقه پایین خانه‌مان به نام علی به همراه چند نفر دیگر وارد پیلوت شده و تخته نئوپانی را که به عنوان حائل در محل نصب کرده بودم تخریب کردند و سپس با پسرم و دوستان پسرم درگیر شدند و قبل از حضور مأموران، صحنه را ترک کردند.
پلیس پس از تحقیقات ابتدایی از احمد و اهالی ساختمان خواست به درگیری پایان دهند و در صورت مراجعه مرد همسایه و ایجاد اختلاف پلیس را با خبر کنند تا شرایط را به آرامش بازگردانند.

دومین درگیری و جنایت خونین

اما ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود و آتش خشم مابین طرفین درگیری نه تنها خاموش نشد، بلکه شعله ورتر هم شد. چرا که علی دوباره به همراه چندنفر دیگر به محل حادثه برگشتند و درگیری دیگری بین آنان شکل می گیرد.
بر این اساس دوباره موضوع درگیری به پلیس ۱۱۰ گزارش می شود و مأموران برای برقراری مجدد نظم در محل حضور پیدا کردند اما این بار با پیکر بی جان و غرق در خون جوانی روبه‌رو شدند که روی زمین افتاده است. مرد دیگری که به شدت مجروح شده بود بلافاصله به بیمارستان منتقل شد اما تلاش پزشکان بی‌فایده بود و روی تخت بیمارستان به کام مرگ فرو رفت.

اعتراف قاتل

احمد که در این صحنه درگیری مرگبار متهم به قتل است گفت: با علی همسایه هستیم، در خانه نشسته بودم که مشاهده کردم او ماشین خود را جلوی ساختمان پارک کرد و به اتفاق چند نفر دیگر وارد ساختمان شده و نئوپان تعبیه شده را تخریب کرد و سپس با پسرم و دوست او درگیر شد؛ علی لوله آهنی در دست داشت، من به اتفاق پسر دیگرم به بیرون رفتیم که آن‌ها سوار بر خودرو شده و فرار کردند و سپس پیرو تماس ما، پلیس ۱۱۰ در محل حاضر شد و چون دوست پسرم مصدوم شده بود، توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شد؛ پس از آن همان خودرو مجدداً در محل حاضر و چند نفر من و پسرم را مورد ضرب و شتم قرار دادند.
پسر احمد نیز که در درگیری حضور داشت وقتی مقابل کارآگاهان نشست این گونه اظهارات خود را بیان داشت: با مرد همسایه سر مسائل مختلفی اختلاف داشتیم. روز حادثه نیز من به همراه دوستم در محل بودم که دیدم دوربین‌های مغازه توسط علی کنده می‌شود، اعتراض کردم که با یک میله فلزی به من حمله ور شد و به گردن من زد و دوستم هم توسط آنها مصدوم شد و سپس آنها فرار کردند که مراتب توسط پلیس ۱۱۰ صورتجلسه و مصدوم توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شد.
وی افزود: علی بعد از رفتن پلیس دوباره همراه چند نفر به محل آمدند و درگیر شدند و در حالی که یکی از دوستان آنها در محل ماند، بقیه فرار کردند.
پسر دیگر احمد که وی نیز در این درگیری حضور داشت گفت: در دست پدرم چاقو و در دست برادرم قندشکن بود. احتمالاً پدرم چاقو را از ماشین برداشت چون در دعوای اول من از راه پله ها قندشکن را برداشته بودم اما وقتی آنها فرار کردند من قندشکن را در ماشین گذاشتم.
وی افزود: در دعوای دوم دست پدرم چاقو و دست برادرم قندشکن بود. علی به پدرم حمله کرد و پدرم را با میله زد، پدرم جا خالی داد و به شکم علی چاقو زد، بعد من علی را به زمین کوبیدم و به سرش مشت زدم؛ در آن هنگام هم پدرم با چاقو به شکم او زد. اما نحوه مجروح شدن و مرگ دوست علی، توسط پدرم را ندیدم.

برای دفاع از خانواده‌ام قاتل شدم

با این اعترافات پرونده قتل از شعبه ۶ بازپرسی دادسرای تبریز برای صدور حکم به شعبه اول دادگاه کیفری یک استان ارجاع شد و جلسه رسیدگی به اتهام احمد۵۱ ساله با درخواست قصاص از سوی اولیای دم مقتولان برگزار شد.
احمد در جلسه دادگاه در آخرین دفاع خود گفت: هر دو قتل را قبول دارم و علت ارتکاب آن، دفاع از همسر و فرزندان و خودم بود، چون آن‌ها به منزل من حمله کردند.
قضات دادگاه پس از شنیدن اظهارات احمد و وکیل پرونده وارد شور شدند و احمد متهم ردیف اول این پرونده را به‌خاطر ۲ قتل عمدی به قصاص نفس و از بابت شرکت در نزاع دسته جمعی منجر به قتل به تحمل ۳ سال حبس محکوم کردند و سایر افراد شرکت کننده در این درگیری مرگبار را به زندان محکوم کردند.